

رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی*

یلدا شاه‌تیموری**، حامد مظاہریان^۲

کارشناس ارشد معماری (گرایش مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی)، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
^۲استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۰/۱۷)

چکیده

شهر همچون موجود زنده‌ای است که حیات آن با ظهور بناهای جدید تداوم می‌یابد. در واقع شهر محصول دوره‌های تاریخی متعدد است، دوران معاصر نیز با حضور ساختارهای جدید خود در این روند حضور خواهد داشت و معماری امروز ما میراثی برای آیندگان خواهد گشت. در این هنگام است که وظیفه طراحان مطرح می‌شود و مسئولیتی که در مقابل نسل‌های گذشته، حال و آینده بر عهده دارند، نمود می‌یابد. مقاله‌ی حاضر در پی دست‌یافتن به اصول راهنما و رهنمودهایی اجرایی، جهت استفاده طراحان به منظور طراحی ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی است. دستورالعمل‌های پیشنهادی ثابت نیستند، اما جامع‌اند، به طوری که می‌توانند در موقعیت‌های متنوعی استفاده شوند و با ویژگی‌های خاص شرایط گوناگون و ارزش‌های نهفته در هر زمینه‌ی تاریخی منطبق گردند. بدین منظور ابتدا جهت دستیابی به رویکردهای جهانی به این موضوع، به بررسی تئوری نظریه‌پردازانی پرداخته می‌شود که تأثیر بیشتری بر رویکردهای پس از خود داشته‌اند و سپس توافق‌نامه‌های بین‌المللی‌ای که توانسته‌اند اصول پذیرفته‌شده‌ای را در سطح بین‌المللی معرفی نمایند مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ در پی آن با اشاره به هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار در تعریف خصوصیت زمینه‌ی تاریخی، دیاگرامی از عواملی که می‌بایست در طراحی ساختارهای جدید مورد توجه قرارگیرند ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

رهنمود طراحی، ساختار جدید، زمینه‌ی تاریخی، معماری معاصر، بنای میان‌افزا، الحاق به بنای تاریخی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، با عنوان: «ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی - نمونه موردی: طراحی در مجاورت آب‌انبار سردار و حمام راه‌ری در شهر قزوین» در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌باشد.
 ** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۸۱۰۲۸۰۰، شماره: ۰۲۱-۶۶۹۷۲۰۸۳، E-mail: yalda.shahteimori@gmail.com

مقدمه

طور مشخص در دهه هشتاد بحث زمینه‌گرایی در معماری غرب مطرح گردید. انتشار کتاب معماری زمینه‌گرا^۱ در سال ۱۹۸۰ از جمله نتایج این حرکت است که به نمونه‌های مختلفی از نحوه برخورد با زمینه‌ی طراحی در معماری می‌پردازد. در سال ۱۹۸۳ در شهر رم اجلاس مشترکی توسط ایکروم و ایکوموس با همکاری «بخش میراث فرهنگی یونسکو» برگزار و نتایج حاصله در سال ۱۹۹۳ به شکل رهنمودهایی برای محوطه‌های میراث فرهنگی منتشر شد. ایکروم در قسمتی از بخش نهم کتاب راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی^۲ با «عنوان برنامه‌ریزی شهری و شهرهای دارای آثار باستانی در جهان» نتیجه حدود ده سال همکاری متخصصان حفاظتی و مدیران میراث جهانی کشورهای مختلف جهان را در معرض استفاده همگان قرار داده است. در این کتاب نخستین بار واژه «بناهای میان‌افزا»^۳ به منظور حضور ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی مطرح و ویژگی‌هایی برای آن بر شمرده شد. مداخلات معمارانه در زمینه‌های تاریخی دارای مقیاس‌های متفاوتی هستند و از طرح‌های کلان شهری در بافت تاریخی یک شهر تا مداخلات کوچک معماری در یک بنای تاریخی را شامل شود.^۴ مقاله حاضر در پی یافتن دستورالعمل‌هایی جامع پیرامون طراحی ساختارهای جدید در مقیاس بناهای میان‌افزا و الحاق به بناهای تاریخی می‌باشد، به گونه‌ای که ضمن حفظ و ارتقای ارزش‌های موجود در زمینه تاریخی، بتوانند بیان‌کننده روح زمان معاصر نیز باشند. بدین منظور ابتدا جهت دستیابی به رویکردهای جهانی به این موضوع، به بررسی تئوری نظریه‌پردازی پرداخته می‌شود که تأثیر بیشتری بر رویکردهای پس از خود داشته‌اند و سپس توافق‌نامه‌های بین‌المللی‌ای که توانسته‌اند اصول پذیرفته‌شده‌ای را در سطح بین‌المللی معرفی نمایند مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ در پی آن با اشاره به هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار در تعریف خصوصیت زمینه‌ی تاریخی، دیاگرامی از عواملی که می‌بایست در طراحی ساختارهای جدید مورد توجه قرار گیرند ارائه می‌گردد.

شهرها و زمینه‌های تاریخی جهت مواجه شدن با نیازهای جامعه‌ی معاصر، به طور دائم در حال تغییر و رشد بوده و خصوصیت شهرها در طول زمان به واسطه حضور معماری هر دوره تغییر می‌کند. از این رو بیشتر اوقات، خصوصیت یک مکان، ترکیبی از سبک‌های مختلف است؛ آنچه که در این میان مهم می‌باشد، این است که این سیر تحول ادامه یابد و به این ترتیب سرزندگی مکان‌ها پیوسته تداوم داشته باشد. در این راه، معماری امروز ما میراثی برای آیندگان و لایه دیگری را در این مجموعه‌ی میراثی سبب می‌شود و به این ترتیب بخشی از خصوصیت و هویت شهرها را شکل می‌دهد.

احداث ساختارهای جدید^۱ در زمینه‌های تاریخی یکی از نیازهای اصلی در حوزه‌های مرتبط با حفاظت^۲ از میراث فرهنگی است، احیای بسیاری از بناها و مناطق تاریخی هم نیازمند حفاظت می‌باشد و هم نیازمند توسعه^۳: حفاظت و سازگاری بناهای قدیمی به سبب ارزش تاریخی و فرهنگی آنها، مقارن با آن تخریب بخش‌هایی که از کارایی و انعطاف‌پذیری کاربری بنا می‌کاهد، و در عین حال ساختن بخش‌های جدیدی برای تأمین فضاهای قابل استفاده و انطباق‌پذیر برای مصارف بیشتر (Warren, Worthington, Taylor, 1998).

ایجاد نگرش‌های کنونی و لزوم حساسیت طراحان در زمینه‌های تاریخی حاصل روندی طولانی است. انقطاع تداوم تاریخی توسط نهضت مدنیسم و از دست رفتن ارزش‌های فضای شهری پس از بازسازی‌های سریع جنگ دوم جهانی و نتایج زبان‌بار آن در معماری و شهرسازی، سبب معطوف گشتن نظر برخی متفکران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ملاحظاتی جهت طراحی در زمینه‌های موجود گشت؛ به گونه‌ای که به تدریج در کنگره‌ها و نشست‌های جهانی به این موضوع پرداخته شد. در ادامه‌ی این نگرش، برخی نظریه‌پردازان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم باب مباحثی را در این خصوص گشودند، اما به

۱. رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی

تا قبل از تدوین دکترین‌های مرمت که سابقه آنها به اواخر قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد، به لحاظ ابعاد کم تغییرات در هنجارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه جهت‌گیری مشخصی در نحوه احداث ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی وجود ندارد (قدیری، ۱۳۸۵). طرح مبانی حفاظت و مرمت آثار تاریخی که در قرن نوزدهم امکان بروز و ظهور یافت با نظرات افراطی لودوک^۴ و راسکین^۵ آغاز گشت. لودوک ضمن لزوم تخریب و بازسازی، به بازگرداندن بنا به شکل اصلی آن جهت یکپارچه کردن و در سبکی مشخص قرار دادن بنا معتقد بود؛ اما در مقابل، راسکین، مرمت محتاطانه‌ی تاریخی را با روحیه‌ای کاملاً رومانیتیک

مورد توجه قرار می‌داد. این اندیشه‌ها در دوره‌های بعد با نظرات بویی^۶ در خصوص افزودن بناهای جدید به بناهای تاریخی با هدف کاراتر شدن بناهای گذشته تکمیل گشت. در کنار نظریه‌های وی که با اعتقاد به عدم تقلید از سبک‌های معماری گذشته بر لزوم ایجاد تفاوت بین سبک جدید و قدیم تأکی می‌کند، کامیلوسیت^۷ توجه به ویژگی‌های بافت‌های قدیمی و دستیابی به الفبای مرمت را به عنوان راهنمایی برای معماران عصر حاضر ضروری می‌داند. اما نخستین فردی که نظریات مدون خود را در مورد ساختارهای جدید مطرح می‌سازد، جیووانونی^۸ است. جیووانونی بر عدم ساخت بنای مدرن در کنار بنای تاریخی، به دلیل اهانت به سبک آن تأکید و در عین حال، به اخذ سبک بنای تاریخی و ارائه‌ی آن به صورت ساده و خلاصه شده توصیه می‌کند. تمام گفته‌ها و تجربیات وی در طی سال‌های قبل از کنفرانس آتن در اذهان اصحاب فرهنگ، معماران

محیط اطراف را تحت تأثیر قرار دهد؛ به گونه‌ای که ضمن توجه و در نظر گرفتن حجم، رنگ، شکل، تناسبات، مقیاس و مصالح وجود، بر بناهای اطراف غلبه نکند و به چشم اندازها و دیدهای بااهمیت آسیب نرساند. این رویکرد می‌تواند با ایجاد بنایی مدرن و یا بنایی با اقتباس از بناهای اطراف ایجاد شود، اما آنچه که مورد تأکید قرار گرفته است عدم تقلید صرف از بناهای تاریخی و سبک‌های گذشته است؛ به طوری که ضمن سازگاری با بناهای تاریخی و احترام به خصوصیت آنها، از سبک‌هایی که بیان‌کننده روح زمان خود هستند بهره‌برد. از این طریق می‌توان ساختاری را خلق کرد که به عنوان «میراثی برای آینده» بهترین معرفی از معماری زمان خود باشد.

۲. رهنمودهای طراحی در زمینه‌ی تاریخی

روش‌های متفاوتی در پاسخ به چگونگی حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی وجود دارد. رویکردهایی که شیوه‌های

و باستان‌شناسان اثر گذاشته بود، و سرانجام توانست در وضع و تدوین کنگره بین‌المللی آتن، نقش و تأثیر به‌سزایی داشته باشد. در پی منشور آتن و با وجود تلاش‌های بسیار و آراء و نظریات متفاوتی که از اوایل قرن نوزدهم در باب حفاظت و مرمت بناهای تاریخی کسب گردید، به تدریج زمینه‌ی مساعدی برای تدوین ضوابط بین‌المللی فراهم گشت. رویکرد و توصیه‌ی هریک از توافقی‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط با این حوزه، در ارتباط با حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی در جدول ۱ ارائه می‌گردد. تفاوت‌های موجود در رویکرد توافقی‌نامه‌های مختلف نسبت به این موضوع، سیر تکاملی‌ای را، از نگاهی محافظه‌کارانه در مدخلات جدید تا استفاده از پتانسیل عناصر معاصر نشان می‌دهد. به طور کلی نه تنها این اسناد حضور معماری معاصر را منع نکرده‌اند، بلکه حضور ساختارهای جدید را در زمینه‌ی تاریخی سبب تداوم تاریخ و غناء یافتن محیط‌های تاریخی دانسته‌اند، اما همگی برای این موضوع اشاره و بر آن تأکید داشته‌اند که حضور ساختاری جدید نباید

جدول ۱- رویکرد توافقی‌نامه‌های بین‌المللی به حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی.

سال	نام توافق‌نامه	نهاد مسئول	اصول پیشنهادی
۱۹۳۱	اولین کنگره بین‌المللی معماران و کاردانان فنی یادمان‌های تاریخی - منشور آتن	چهارمین کنگره بین‌المللی معماران مدرن	<ul style="list-style-type: none"> حفظ خصوصیت منطقه‌ی شهری و چشم‌اندازهای زیبا عدم استفاده از سبک‌های گذشته لحاظ کردن بنایی خنثی و فاقد جاذبه‌ای خاص، به طوری که بر حجم، رنگ و فرم بناهای اطراف غلبه نکند
۱۹۶۲	توصیه‌نامه‌ی حفظ و حراست از زیبایی و ویژگی چشم‌اندازها و محوطه‌ها	یونسکو	<ul style="list-style-type: none"> رعایت مقتضیات زیبایی‌شناختی، به طوری که ضمن هماهنگی با بناهای اطراف از فرم‌های سنتی تقلید نکند حفظ چشم‌اندازهای زیبا
۱۹۶۴	منشور بین‌المللی حفاظت و مرمت یادمان‌ها و محوطه‌ها - منشور ونیز	یونسکو	<ul style="list-style-type: none"> عدم دگرگونی رابطه‌های موجود بین جرم و رنگ عدم صدمه به قسمت‌های جالب توجه بنای تاریخی، فضای سنتی، تعادل اجزا و رابطه‌ی آن با محیط اطرافش، در زمان الحاق به بنای تاریخی
۱۹۶۸	توصیه‌نامه‌ی حفاظت از دارایی‌های فرهنگی که از سوی فعالیت‌های عمومی و خصوصی در معرض خطر قرار گرفته‌اند	یونسکو	<ul style="list-style-type: none"> اعمال نظارت بر نوع و طرح ساختارهای جدید، در قالب ضوابط حفظ محیط اطراف محله‌های تاریخی حفظ فضاهای تاریخی و وضعیت محله‌های تاریخی
۱۹۷۲	توصیه‌نامه‌ی حفاظت ملی میراث فرهنگی و طبیعی	یونسکو	<ul style="list-style-type: none"> عدم آسیب‌رسانی به ارتباط حجم و رنگ میراث فرهنگی با محیط اطراف آن
۱۹۷۲	قطعه‌نامه سمپوزیوم وارد کردن معماری معاصر در مجموعه بناهای باستانی	ایکوموس	<ul style="list-style-type: none"> لزوم توجه به معماری به عنوان نماد عصر خود استفاده از فنون و مصالح سنتی توجه به حجم، مقیاس، ریتم و جلوه ظاهری؛ به طوری که بر کیفیت‌های ساختاری و زیبایی‌شناختی مکان‌های باستانی تأثیر نگذارد اجتناب از هر گونه تقلید که بر ارزش هنری و تاریخی بناهای تاریخ اثر می‌گذارد
۱۹۷۵	منشور میراث معماری اروپا	کشورهای عضو شورای اروپا	<ul style="list-style-type: none"> استفاده از معماری مدرن، مشروط بر رعایت بافت، تناسب‌ها، صورت‌ها، اندازه‌ها و مقیاس‌های موجود

سال	نام توافق نامه	نهاد مسئول	اصول پیشنهادی
۱۹۷۵	قطعه‌نامه‌ی کنگره‌ی آمستردام	کمیته وزیران شورای اروپا	• تدوین قوانین و مقررات مربوط به حجم (ارتفاع بناها، ضابطه‌های سطح اشغال زمین)، مکان‌یابی بناها، به شکلی هماهنگ • برخورداری معماری معاصر از بالاترین کیفیت موجود
۱۹۷۶	توصیه‌نامه‌ای پیرامون نقش امروزی و حراست از محدوده‌های تاریخی	یونسکو	• عدم آسیب رساندن به اصالت بناهای تاریخی با اجتناب از الحاقات غیرضروری • عدم آسیب رساندن به ویژگی‌ها، چشم اندازها و منظره‌ی محوطه‌ی تاریخی • تلفیق و ترکیب همساز و هماهنگ.
۱۹۸۳	رهنمودهایی برای محوطه‌های میراث فرهنگی	اجلاس مشترک ایکروم و ایکوموس	• هماهنگ با ریتم شهری و الگوی مورفولوژیکی بافت • تعادل جرم بنای جدید در بافت • توجه به خصوصیات و نماهای بومی - سنتی در طراحی نما • استفاده از مصالح سنتی و یا سازگار با مصالح سنتی • عدم توجه‌پذیری معماری تقلیدی
۱۹۸۵	عهدنامه‌ی حفاظت از میراث معماری اروپا	کشورهای عضو شورای اروپا	• لزوم وضع قوانینی جهت طرح‌های مربوط به احداث ساختمان‌های جدید و طرح‌هایی که محیط اطراف بناهای تاریخی را تحت تأثیر قرار می‌دهند
۱۹۸۷	منشور واشنگتن: حفاظت از شهر تاریخی	ایکوموس	• رعایت آرایش فضایی موجود، مخصوصاً به لحاظ مقیاس و اندازه قطعات زمین
۱۹۹۲	منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی ایالات متحده‌ی آمریکا	ایکوموس	• احترام به مقیاس و ساختار فضایی یک مکان و همچنین ارتباط هر بنا یا مکان با محیط بزرگ‌تر اطراف آن • عدم جلوگیری از طرح‌های متناسب معاصر و هماهنگ با محیط اطراف
۱۹۹۶	منشور استرالیا جهت حفاظت از مکان‌های عمده فرهنگی - منشور بورا	ایکوموس	• عدم تأثیرگذاری بر موقعیت بصری متناسب مانند مقیاس، رنگ، بافت و مصالح
۱۹۹۹	منشور گردشگری فرهنگی - مدیریت گردشگری در اماکن باهویت	ایکوموس	• در نظر گرفتن جنبه‌های زیبایی، اجتماعی و فرهنگی، همچنین جلوه‌های فرهنگی و طبیعی، زیست محیطی و تجلی نمودهای فرادست میراث • ارجحیت استفاده از مواد و مصالح بومی، سبک‌ها
۲۰۰۵	یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر: مدیریت منظر طبیعی - شهری تاریخی	یونسکو	• عدم به کارگیری طراحی‌های شبه تاریخی • پیوستگی فرهنگی از طریق مداخلات کیفی

وجود دارد. این مشکل بخصوص با این حقیقت که گاه تضاد یک ساختمان با محیط پیرامون آن امری مطلوب است، پیچیده‌تر می‌شود. به طور کلی در هر شرایطی اگر به جای سبک‌های تقلیدی و یا نوآوری‌های افراطی، روابط بصری مستحکم و روشنی به وجود آمده باشد، سبب آزدگی بصری نخواهد گشت. درک نحوه‌ی شکل‌گیری این روابط بصری در گذشته، کمک می‌کند که راهکارهای جدیدی برای حال و آینده مطرح شود (برولین، ۱۹۸۰). بنابراین یکی از جنبه‌های طراحی موفق، درک زمینه‌ی

گونگونگی را مانند ساخت‌وسازهای جدید در پشت نماهای تاریخی^۳، درجه صفر^۴، تلفیق^۵، تضاد و تباین^۶، تمسخرآمیز و ناپایدار^۷، قیاس یا تشابه^۸، غیرقابل رؤیت^۹ و مرکب^{۱۰} شامل می‌شوند^{۱۱}. در این بین دیدگاه‌های افراطی کپی برداری و مغایرت می‌توانند سبب فرسایش زمینه‌ی تاریخی گردند: اولی از طریق تقلید ظاهری از خصوصیت معماری موجود و دومی از طریق عدم توجه به زمینه‌ی تاریخی. همواره مشکل توافق در مورد سازگاری یا عدم سازگاری با زمینه،

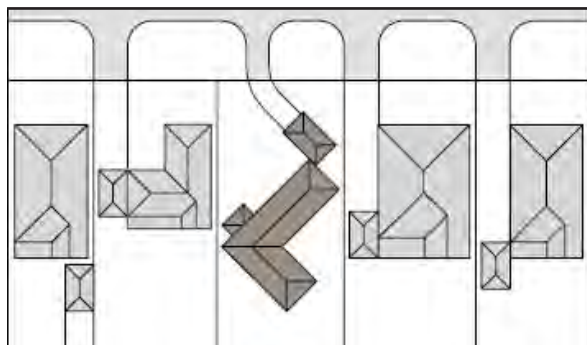
ساختارهای جدید می‌بایست با خصوصیت منطقه موجود سازگار باشند و ضمن آنکه کم‌ترین آسیب ممکن را به بافت تاریخی وارد می‌کنند، بر سایت غلبه نکرده و یا به‌طور چشم‌گیری خصوصیت سایت را تغییر ندهد. این در حالی است که اگر طراحی ساختارهای جدید منعکس‌کننده درکی از خصوصیت ویژه‌ی منطقه و بناهای آن بوده و با خصوصیت آنها سازگار باشد، می‌تواند به افزایش خصوصیت مکان کمک کند.

از دیگر مواردی که در ایجاد خصوصیت یک زمینه تأثیرگذار است، کاربری‌های غالب و موجود در منطقه است؛ بنابراین عملکرد ساختار پیشنهادی جدید نه تنها نباید سبب تضعیف کاربری‌های موجود شود بلکه می‌بایست ضمن سازگاری با کاربری‌های موجود، آنها را تقویت نماید. بدین منظور بررسی کاربری‌های موجود به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حائز اهمیت می‌باشد. علاوه بر کاربری زمینه تاریخی، چهار شاخص **موقعیت قرارگیری، مقیاس، شکل و مصالح و جزئیات** نیز در تعریف خصوصیت مشخص یک زمینه تاریخی سهیم هستند که به صورت جداگانه‌ای به آنها اشاره خواهد شد.

۲-۲. موقعیت قرارگیری

هر زمینه‌ی تاریخی دارای هماهنگی مشخصی در عقب‌نشینی‌ها، جهت‌گیری‌ها، تقسیم‌بندی‌ها و فاصله‌ی بین بناهای موجود است؛ سازگاری ساختار جدید پیشنهادی می‌بایست در چنین شرایطی مورد بررسی قرار گیرد، تا بنای جدید با پیروی کردن از نمای موجود و موقعیت کلی سایت و چگونگی قرارگیری در لبه خیابان، ضمن حفظ کیفیت‌های منظر شهری، آن را تقویت نماید (تصویر ۱).

"در جانمایی یک الحاق جدید برای آنکه مصالح و ویژگی‌های بااهمیت بنای تاریخی حفظ شوند، پنهان نشده و یا آسیبی به آنها وارد نشود، در درجه اول باید مکانی در نظر گرفته شود که کمترین میزان از ویژگی‌های معین بنا تحت تأثیر قرار گیرد. اثر یک الحاق بر روی بنای تاریخی می‌تواند توسط قرارگیری آن در نمایی که کمتر در ایجاد خصوصیت بنا سهیم است کاسته شود؛ در بسیاری از موارد این امر با قرارگیری در جبهه‌های درجه دو یا در پشت بنا محقق می‌شود" (Grimmer & Weeks, 1986, 3).



تصویر ۱- کیفیت منظر خیابانی می‌تواند با تغییر جهت‌گیری یا عقب‌نشینی در بنای جدید آسیب بیند.

ماخذ: (NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects, 2005).

موجود و پاسخ مناسبی به آن می‌باشد. از آنجا که بناهای تاریخی پاسخی به محیط‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فیزیکی‌شان هستند؛ به همین نحو، توسعه‌های جدید در یک محیط با ارزش باید خصوصیت آن مکان را درک کنند و با شیوه‌های مربوط به زمان معاصر به آن پاسخ دهند. از این رو آنچه که می‌بایست به عنوان یک اصل کلیدی در شرایط مختلف در زمینه‌های تاریخی مورد توجه قرار گیرد، این است که "ساخت و سازهای جدید باید روح زمان حاضر را القاء و بیان کنند، ولی در عین حال طرح آنها باید زمینه‌ی تاریخی‌ای که در متن آن قرار گرفته‌اند را مورد توجه قرار دهد. راه حل‌ها و مسایل مربوط به طراحی این گونه بناها، بر اساس ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خاص منطقه تاریخی مورد نظر، نوع وضعیت ساختارهای موجود، میزان همگونی با محل و غیره متفاوت خواهد بود" (فیلدن و یوکیلتو، ۱۹۹۸، ۱۲۴).

از آنجا که دامنه‌ی وسیعی از راه حل‌ها جهت طراحی ساختارهای جدید پس از تحلیل‌های دقیق زمینه و تفسیر عناصر طراحی آنها ممکن است مطرح شود، ارائه‌ی رهنمودهای دقیق و قابل استفاده برای تمامی ساختارهای جدید و تمامی زمینه‌های تاریخی تقریباً امری غیرممکن است. از این رو عواملی که می‌بایست مورد توجه قرار گیرند ثابت نیستند، اما به صورت جامع رهنمودهایی را در اختیار طراحان قرار می‌دهد، به این منظور رهنمودهای پیشنهادی جهت حفظ و ارتقای ارزش‌های موجود به شاخص‌های اصلی تأثیرگذار در خصوصیت هر زمینه‌ی تاریخی و معیارهایی که در هر شاخص می‌بایست مورد توجه قرار گیرند، می‌پردازند.

۲-۱. خصوصیت زمینه‌ی تاریخی

هر گونه مداخله در زمینه‌ی تاریخی در ابتدا به تحلیل و ارزیابی بستر تاریخی خود جهت تشخیص عناصر مهم خصوصیت تاریخی نیازمند است. "خصوصیت یک مکان از عوامل بسیاری همچون تغییرات طبیعی و مهم در سطح زمین (توپوگرافی)، عناصر مشخص در منظر طبیعی مکان، زمان و سبک بناها، مقیاس و شکل بناها، خیابان‌ها و الگوهای سلسله مراتب دسترسی، مصالح، تکنیک‌های ساختمانی و جزئیات اجرایی، رابطه‌ی فضاها، پرو خالی و بازی نور و سایه بر روی نماها و تناسبات بازشوها، دیده‌ها، چشم‌اندازها و خطوط آسمان ناشی می‌شود" (NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects, 2005, 15). از طرف دیگر، ارتباط بین یک بنا و محیط آن نیز در خصوصیت آن مکان دخیل خواهد بود، این محیط می‌تواند منظر فرهنگی، طبیعی، شهری^{۲۳} یا روستایی زمینه تاریخی باشد.

از آنجا که یک ساختار جدید با توجه به موقعیت و طراحی‌اش، می‌تواند اثر زیان‌آور یا سودمندی بر محیط پیرامونی خود یا بنای باارزشی که در مجاورت آن قرار دارد، داشته باشد؛ هدف از یک طراحی در زمینه‌ی تاریخی در درجه نخست باید حفظ کیفیت‌های خاصی باشد که خصوصیت یک مکان را ایجاد می‌کنند. در این راستا حفظ ارزش^{۲۳}ها، اصالت^{۲۴} و یکپارچگی^{۲۵} مکان می‌بایست در اولویت‌های هر مداخله‌ی معمارانه‌ی جدید قرار گیرد. از این رو،



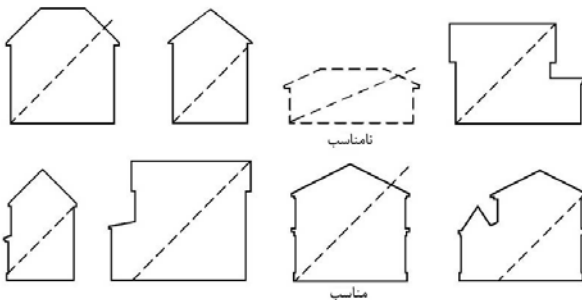
تصویر ۲- عقب نشینی بخش الحاقی از نمای اصلی بنای تالار ویکتوریا (Victoria Hall) در استافوردشایر، انگلستان.
مأخذ: (URL 1)



تصویر ۳- قرارگیری بخش اعظم بنای مربع هنر (Carre D'Art) در نیم، فرانسه، جهت غلبه نکردن بر بنای تاریخی مجاور.
مأخذ: (URL 2)



تصویر ۴- پیلوتی‌های روی حفاری‌های باستان-شناسی در بخش زیرین موزه جدید آکروپولیس، جهت ایجاد فضای مناسب به منظور کار باستان شناسان.
مأخذ: (URL 3)



تصویر ۵- بناهای جدید پیشنهادی می‌بایست در ارتفاع و تناسب با بناهای اطراف که در خصوصیت منطقه سهیم هستند، سازگار باشند
مأخذ: (Raleigh Historic Districts Commission, 2001).

به طور کلی قرارگیری یک الحاق در مجاورت نمای اصلی بنای تاریخی و یا در جلوی آن به جهت تغییر قابل توجه در ظاهر بنای تاریخی و پوشاندن خصوصیت آن مناسب نیست و چالشی را در طراحی سبب می‌شود. اما با وجود آنکه در بسیاری از موارد توصیه می‌شود که الحاق جدید به نمای درجه دوم متصل شود، گاهی اوقات این امر ممکن نیست. در این گونه موقعیت‌ها، بهترین شرایط با ساخت یک بنای جداگانه در مکانی که به گونه‌ای ناسازگار بر بنای تاریخی و موقعیت قرارگیری آن اثر نمی‌گذارد، حاصل می‌شود. از جمله راهکارهای مناسب بدین منظور، عقب نشینی بنای جدید نسبت به نماهای اولیه بنای اصلی جهت حفظ خصوصیت و تناسبات بنای تاریخی و کمک به جداسازی بصری آن (تصویر ۲) و همچنین قرارگیری بخش اعظمی از حجم ساختار جدید در داخل زمین به منظور کاهش تأثیر بصری آن می‌باشد (تصویر ۳). همچنین "موقعیت قرارگیری ساختارهای جدید باید منظر طبیعی موجود و دیدهای بااهمیت را محترم بشمارد. بسیاری از یادمان‌ها، بناها و میدان‌ها جهت دیده شدن از یک زاویه یا معبر مشخص طراحی می‌شوند. لذا این چشم‌اندازها هنگامی که تغییراتی پیشنهاد می‌شوند باید مورد احترام قرار بگیرند" (Orbasli, 2008, 198). ویژگی‌های بااهمیت طبیعی، همچون شکل طبیعی دریا و درختان کهنسال، ضمن قرارگیری ساختار جدید می‌بایست حفظ و امکان تخریب منابع باستان‌شناسی شناخته شده در طول ساخت به حداقل برسد (تصویر ۴).

۳-۲. مقیاس

مقیاس یک بنا عاملی نسبی است و به اندازه ظاهری یک بنا در ارتباط با بناهای مجاور آن بستگی دارد. از این رو طراحی جدید می‌بایست مقیاس غالب در زمینه‌ی تاریخی (شامل ارتفاع، حجم، تراکم و دانه بندی منطقه) را تشخیص دهد و به صورت سازگاری با آن منطبق شود؛ به طوری که بناهای تاریخی مجاور را تحت الشعاع قرار ندهد و آزارش دیده‌ها و چشم‌اندازهای بااهمیت نکاهد. تا علاوه بر برهم زدن خط آسمان موجود ضمن سازگاری با آن، سبب تقویت آن نیز گردد (تصویر ۵). بنابراین "حجم آن می‌بایست در توازن با زمینه خود باشد، یعنی نه چنان مرتفع که مقیاس مأنوس انسانی مرکز تاریخی را ویران کند و نه چنان تصنعی که با عملکرد کلی آن ناسازگار باشد" (فیلدن و یوکیلتو، ۱۹۹۸، ۱۲۴). اغلب تأثیر بنایی با مقیاس نامناسب را نمی‌توان توسط فرم، طراحی یا جزئیات بنا جبران نمود. اما مقیاس بناهای میان‌افزایی که، بنا به ضرورت بزرگ‌تر از بناهای مجاور هستند را می‌توان با شکاندن دیوارهای بلند در دهانه‌ها یا سازگار کردن ترتیب و آرایش بازشوها با اندازه و شکل بازشوها در بناهای مجاور، به لحاظ بصری کاهش داد (NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects, 2005). همچنین یکی از راه‌حل‌های مناسب جهت کاهش اندازه‌ی قابل مشاهده‌ی ساختار جدید همان‌طور که اشاره شد قرارگیری برخی از بخش‌های آن در زیر زمین است.

در طراحی یک الحاق لحاظ کردن حجمی با احترام به بنای

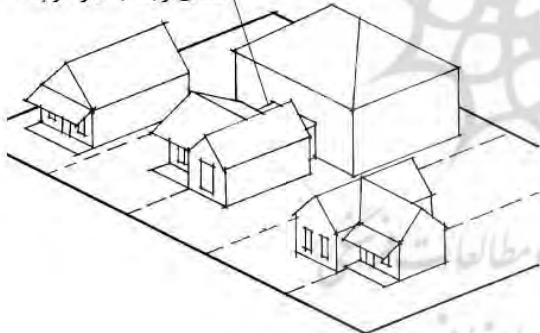
موجود تقلید یا با آن رقابت کند، به آن کمک کند. اینکه این امر آیا با کپی برداری انجام می‌شود و یا از آخرین ابتکارات معماری جدید برخوردار خواهد بود، موضوع مورد توجه نمی‌باشد. آنچه اهمیت دارد، «تشابه خانوادگی» است. چشم بایستی حس کند که پدیده‌ای متجانس به محیط افزوده شده است. می‌بایست از تفکرات سبک زمان خود فراتر رفته و به سبک‌های مناسب برای زمینه‌های مختلف دست یافت. چراکه توجه به روحیه‌ی زمان «از توجه به روحیه‌ی مکان» به عنوان یک اندیشه‌ی معماری، دارای اعتبار و اهمیت کمتری است (برولین، ۱۹۸۰).

اتصال مستقیم بخش الحاقی



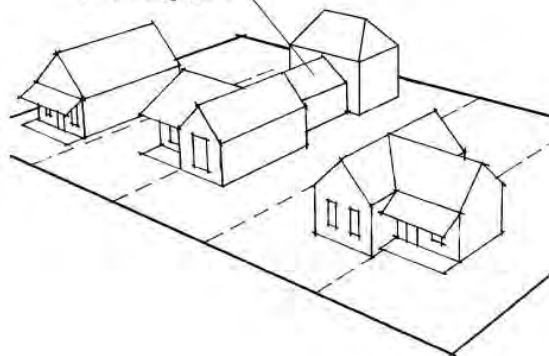
تصویر ۷-الف- این الحاق بسیار بزرگ است و به صورت مستقیم به بنای اصلی متصل شده است؛ از این رو نامناسب می‌باشد.

فضای رابط بسیار کوچک



تصویر ۷-ب- الحاق همچنان بزرگ باقی می‌ماند و با فضای رابط کوچکی به بنای اصلی متصل می‌شود که جهت جداسازی دو حجم از یکدیگر کافی نیست؛ از این رو این الحاق نیز نامناسب است.

فضای رابط مناسب



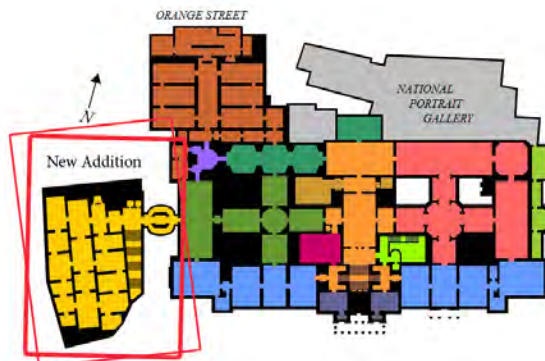
تصویر ۷-ج- مقیاس الحاق کاهش پیدا می‌کند و به واسطه فضای رابط به طور آشکاری از بنای اصلی جدا می‌شود؛ در نتیجه این الحاق مناسب خواهد بود. ماخذ: (Aspen City Council, 2000)

تاریخی، محدود کردن اندازه و مقیاس الحاق در ارتباط با بنای تاریخی، به طوری که الحاق جدید هرگز از طریق ارتفاع و اندازه‌اش بر بنای اصلی غلبه نکند اما در ارتباط با بنای تاریخی بوده و همیشه تابعی از آن باشد، می‌تواند سبب کم کردن تأثیر الحاق بر بنای تاریخی شود.

از این رو الحاقی که ارتفاعی همانند بنای اصلی دارد و یا کوتاه‌تر از آن است به جهت کم کردن تأثیر بصری خود همواره ترجیح داده می‌شود. اگر طراحی الحاقی که بلندتر از بنای تاریخی است، ضروری می‌باشد، الحاق باید در پشت نماهای با اهمیت قرار گیرد و از یک فضای رابط برای ارتباط با بنای اصلی استفاده شود. لحاظ کردن فضای واسطی متناسب با بنای تاریخی می‌تواند به حفظ تناسبات و مقیاس درک شده از بخش تاریخی و نیز جداسازی بصری الحاق از بنای تاریخی کمک کند (تصاویر ۶ و ۷) (Aspen City Council, 2000). به طور کلی اندازه مناسب برای یک الحاق جدید از یک بنا به بنای دیگر تغییر می‌کند، اما تناسبات موجود، محل و موقعیت قرارگیری بنای تاریخی می‌تواند به پارامترهایی کلی برای توسعه کمک کند. برای مثال گونه‌هایی از بناهای تاریخی ممکن است اندازه بزرگی داشته باشند به طوری که یک الحاق نسبتاً بزرگ خصوصیت تاریخی آنها را به خطر نیندازد، بلکه الحاقی که از بنایی تاریخی کوچک‌تر است چنین خطری را برای بنای تاریخی سبب شود. لذا ارزیابی بین اندازه پیشنهادی الحاق و مقیاس وابسته به بنای تاریخی کلیدی جهت حفظ خصوصیت بنای تاریخی خواهد بود.

شکل ۴-۲

فرم کلی، جرم، حجم، تناسبات و آرایش بخش‌های مختلف یک بنا، شکل آن را تشکیل می‌دهد. طراحی جدید در یک زمینه‌ی تاریخی می‌بایست با شکل غالب بناهای مجاور سازگار باشد؛ شکل بنای جدید نیازی ندارد که از بنای مجاور خود کپی برداری کند اما باید به صورت مناسبی با آن در ارتباط باشد. خط آسمان ممکن است نقش مهمی در تعیین خصوصیت بناهای مجاور داشته باشد، بنابراین ضمن در نظر گرفتن مقیاسی سازگار با خط آسمان موجود، فرم طراحی‌های جدید باید با خطوط آسمان غالب در زمینه هماهنگ باشد و آنها را تقویت کند. به طوری که ضمن احترام به خصوصیات موجود در منظر شهری، بیش از آنکه از وضع



تصویر ۶- اتصال بخش الحاقی سینزبری در گالری ملی انگلستان توسط یک فضای واسط به منظور حفظ تناسبات و مقیاس بنای تاریخی، ضمن ایجاد جداسازی بصری.

ماخذ: (URL ۴)

اولیه همراه باشد؛ چراکه اگرچه این شیوه می‌تواند از جعل کردن اجتناب کند اما اگر به درستی انجام نشود، می‌تواند بر یکپارچگی موجود با تغییر دادن خصوصیت اولیه اثر بگذارد (تصویر ۹). شکل یک ساختار جدید در زمان طراحی یک الحاق به بنای تاریخی از حساسیت بیشتری برخوردار است. یک الحاق باید در شکل اش با بنای تاریخی مرتبط باشد و به گونه‌ای طراحی شود که به صورت تابعی از بنای اصلی باقی بماند. برای حفظ یکپارچگی تاریخی بنا و محیط آن، الحاق جدید باید با بنای تاریخی سازگاری داشته باشد (St. Joseph Landmark Commission, 2001).

هرچند طراحی یک الحاق باید سازگار با بنای تاریخی باشد، اما برای حفظ خصوصیت بنای اصلی، شکل الحاق جدید باید به طور آشکاری از بنای اصلی قابل تشخیص و متمایز باشد، به طوری که سیر تحول تاریخی بنا قابل درک بوده و یکپارچگی فیزیکی بنای تاریخی توسط الحاق جدید به خطر نیفتد. چرا که اگر الحاق جدید، شکلی تکراری و غیرقابل تشخیص از بخش قدیمی دارد ممکن است تشخیص بنای تاریخی اصلی امکان پذیر نباشد؛ و برعکس، الحاق جدید نباید آنقدر متفاوت باشد که در نگاه اولیه در کانون توجه قرار گیرد و از دید عموم خیلی برجسته و محسوس باشد. به این منظور الحاق جدید می‌بایست جهت جلوگیری از رقابت و غلبه بر بنای تاریخی از طراحی ساده‌ای برخوردار باشد و تعادلی باید بین تمایز و سازگاری جهت حفظ خصوصیت تاریخی و هویت بخش توسعه یافته در نظر گرفته شود. مطمئناً الحاقات جدیدی که بسیار شبیه به بنای تاریخی هستند یا بی‌نهایت با آن مغایرت دارند این تعادل را از بین می‌برند (تصویر ۱۰).

از این رو در درجه اول می‌بایست از طرح‌هایی که دو حجم جدید و قدیم را در قالب یک کل معماری، یکی می‌کند اجتناب کرد. الحاق جدید ممکن است شامل ویژگی‌های معماری ساده شده‌ای باشد که ویژگی‌های مشابهی را در بنای تاریخی منعکس می‌کند، اما در عین حال از آنها کپی نمی‌کند و به دنبال خلق دوباره خصوصیت بنای تاریخی با بیان عناصر طراحی بنای اصلی به شیوه‌ای معاصر و ساده شده است. این رویکرد تازمانی که بنای جدید تابعی از اندازه و مقیاس بنای اصلی بوده و به طور واضح متمایز و قابل تشخیص است به خصوصیت تاریخی بنای موجود آسیب نمی‌رساند (Grimmer & Weeks, 1986). در این راستا لحاظ کردن فضای رابطی ساده، فرونشسته و با مقیاس کوچک ضمن کاهش تأثیرپذیری تأثیر مقیاس بنای جدید، می‌تواند راه حل مناسبی جهت جداسازی فیزیکی و بصری حجم‌های جدید و قدیم از یکدیگر باشد.

۲-۵. مصالح و جزئیات

سازگاری ساختارهای جدید در پوسته‌ی بیرونی آنها بسیار مهم است. مطمئناً انتخاب مصالح خارجی مناسب، به درکی از سازگاری مصالح پیشنهادی در ترکیب، مقیاس، مدول، الگو، بافت، رنگ و درخشندگی آنها وابسته است. در یک مکان با خصوصیت ثابت، معمولاً مصالح ساختمانی و دامنه‌های رنگی غالبی، مخصوصاً در جزئیات و تزئینات، وجود دارد. از این رو طراحی‌های جدید باید مصالح و رنگ‌هایی که به صورت محلی و

در هر صورت اگر بخواهیم بنای جدید، پیوندی مستحکم با بناهای مجاور خود داشته باشد، اقتباس از مایه‌ی اصلی زمینه‌ی طراحی اجتناب‌ناپذیر است. این ارتباط می‌تواند به روش‌هایی همانند کپی برداری نزدیک از درون مایه‌ی اصلی طرح موجود^{۲۶}؛ استفاده از اساس فرم‌های مشابه ولی با تفسیری جدید در زمان معاصر؛ ابداع فرم‌های جدیدی با همان تأثیر بصری فرم‌های قدیمی و تجرید (انتزاع) فرم‌های اولیه^{۲۷} صورت گیرد (تصویر ۸).

آنچه که مهم است، یافتن رابطه‌ای بین ساختار جدید و زمینه‌ی تاریخی به صورتی پیوسته است. شاید یکی از مناسب‌ترین این روش‌ها که سازگاری بیشتری با توصیه‌های جهانی دارد، استفاده از فرم‌های انتزاعی است. "رویکرد انتزاع، در جست‌وجوی جوهر و ذات بناهای موجود است که در بنای جدید استفاده می‌شوند و همچنین جزئیات و آرایه‌هایی که می‌توانند در عین بیان سبک گذشته به شیوه جدیدی ترجمه و تفسیر شوند" (Guzmán Torres, 2009, 12). بدین منظور ایجاد ارتباط نزدیک تر طراح با استفاده‌کنندگان، با به کارگیری نمادهای آشنای فرهنگی، می‌تواند به این مهم کمک نماید. اما از آنجا که خلق دوباره‌ی جوهری موجود و انتخاب جزئیات آن می‌تواند بسیار پیچیده باشد این رویکرد باید با درک عمیقی از سبک



تصویر ۸- بازتفسیر عناصر تعریف‌کننده‌ی بنای تاریخی، همچون ایوان ستوندار، در بنای مربع هنر (CarreD'Art) در مجاورت آن.
مأخذ: (URL2)

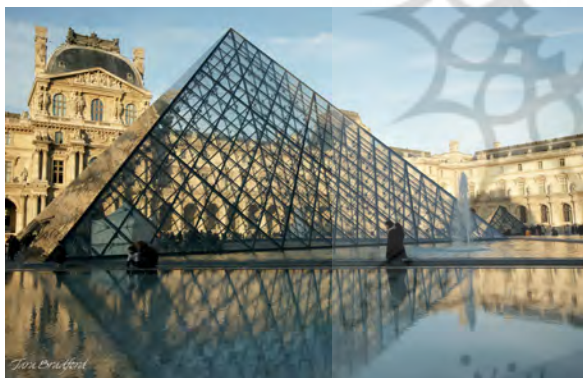


تصویر ۹- بخش الحاقی بین‌بازی در گالری ملی انگلستان، که المان‌های بنای اصلی در نمای مقابل الحاق جدید به صورت ساده‌شده‌ای، استفاده گردیده است.

مأخذ: (URL5)

خدمت معرفی زمینه‌ی تاریخی باشد، بهره برد (تصاویر ۱۲ و ۱۳). علاوه بر مصالح خارجی، آرایه‌ها و جزئیات هر بنا نیز در تعریف آن نقش عمده‌ای را دارند. آن طور که از آثار امروز معماری برمی آید عموماً تصویری شود که آرایه‌بندی‌ها کم‌اهمیت‌ترین عنصر در ایجاد ارتباط ساختمان‌های جدید با ساختمان‌های قدیم هستند. فرض دیگر آن است که ایجاد شباهت‌های کلی میان بناهای جدید و قدیم، مانند ارتفاع، مصالح و حجم‌های مشابه، به تنهایی می‌توانند کافی باشند. اما به نظر می‌رسد آرایه‌ها، بافت بصری و تداعی حاصل از آن، غالباً روش مطمئنی برای ایجاد رابطه‌ی بصری سازگار میان ساختمان‌هاست (برولین، ۱۹۸۰). از این رو جزئیاتی که نقش مهمی در خصوصیت منطقه دارند، می‌بایست مشخص شوند. این جزئیات می‌توانند در طراحی بناهای جدید الهام بخش باشند و به عنوان مبنا برای طراحی‌های جدید در نظر گرفته شوند اما نباید عیناً از آنها کپی برداری شود. اگرچه استفاده از جزئیات رایج در یک منطقه شباهتی را در بین بناهای مجاور و در خصوصیت خاص منطقه ایجاد می‌کند؛ اما جزئیات مدرن می‌توانند جزئیات سنتی را بازتفسیر کرده و رابطه‌ای را بین جدید و قدیم ایجاد کنند.

ضمن توجه به جزئیات تزئینی، در نظر گرفتن جزئیات اجرایی و نحوه‌ی اتصال ساختار جدید به بافت تاریخی مجاور نیز از اهمیت دوچندانی برخوردار است. از این رو "ملاحظه‌ی اولیه در طراحی ساختار جدید می‌بایست تأثیر بنای جدید بر روی



تصویر ۱۲- استفاده از مصالح شفاف در هرم موزه لوور که سبب عبور دید و کم‌ترین مزاحمت بصری در صحن ناپلئون می‌گردد.
مأخذ: (URL 7)



تصویر ۱۳- انعکاس بنای تاریخی در ساختمانی با نمای شیشه‌ای در نیوکاسل، انگلستان.
مأخذ: (ایزدی، ۱۳۸۳)

در بناهای مجاور استفاده شده‌اند را تشخیص دهند و از مصالحی با ترکیب رنگ‌هایی استفاده نمایند که هماهنگی بیشتری را با بناهای مجاور سبب می‌شود (تصویر ۱۱). حتی توجه به ایجاد سایه روشن‌های حاصل از استفاده از مصالح مختلف می‌تواند در تعریف بنای جدید مؤثر باشد. برای مثال، الحاقی در جلو یا در پهلو بنای اصلی که از سنگ گرانیت تیشه‌ای ساخته شده است با بنای اصلی ساخته شده از سنگ مرمر صیقلی، حتی با وجود اینکه هر دو از سنگ ساخته شده‌اند، سازگار نخواهد بود. مصالح پیشنهادی لازم نیست که عیناً شبیه به مصالح بنای تاریخی باشند، بلکه آنها باید هماهنگ بوده و به عنوان یک مرجع استفاده شوند، اما از طرف دیگر نباید آنقدر متفاوت باشند که نسبت به بنای تاریخی برجسته بوده و دید را از بنای تاریخی منحرف کنند (Grimmer & Weeks, 1986). حتی گاهی شیشه نیز می‌تواند به دلیل شفافیت و یا انعکاس ناخواسته‌اش در زمینه‌ی تاریخی جلب توجه کند. اما در برخی از موارد می‌توان از شفافیت شیشه جهت عبور دید و کاهش تأثیر بصری بنا و یا از انعکاس شیشه جهت بازتاب بناهای تاریخی اطراف و حضور خنثی بنای جدید به گونه‌ای که بتواند در



تصویر ۱۰- تضاد آشکار در الحاق جدید موزه تاریخ نظامی در درسدن آلمان، اثر دنیل لیبسکیند، که سبب توجه بیشتر به ارزش‌های بنای تاریخی اصلی می‌گردد.
مأخذ: (URL 6)



تصویر ۱۱- فضای پلکان و آسانسور (بخش الحاقی سمت چپ) که ضمن توان بخشی بنای اصلی، به پشت بنای تاریخی افزوده می‌شود با سنگ‌های ناصاف و بازتقوای ساده به صورت سازگار و تابعی از بنای اصلی معرفی می‌گردد.
مأخذ: (Grimmer & Weeks, 1986).

می‌گیرد، باشد" (Orbasli, 2008, 200). به طوری که ایجاد بنای جدید سبب آسیب و تخریب سازه‌ی بناهای تاریخی مجاور نگردد.

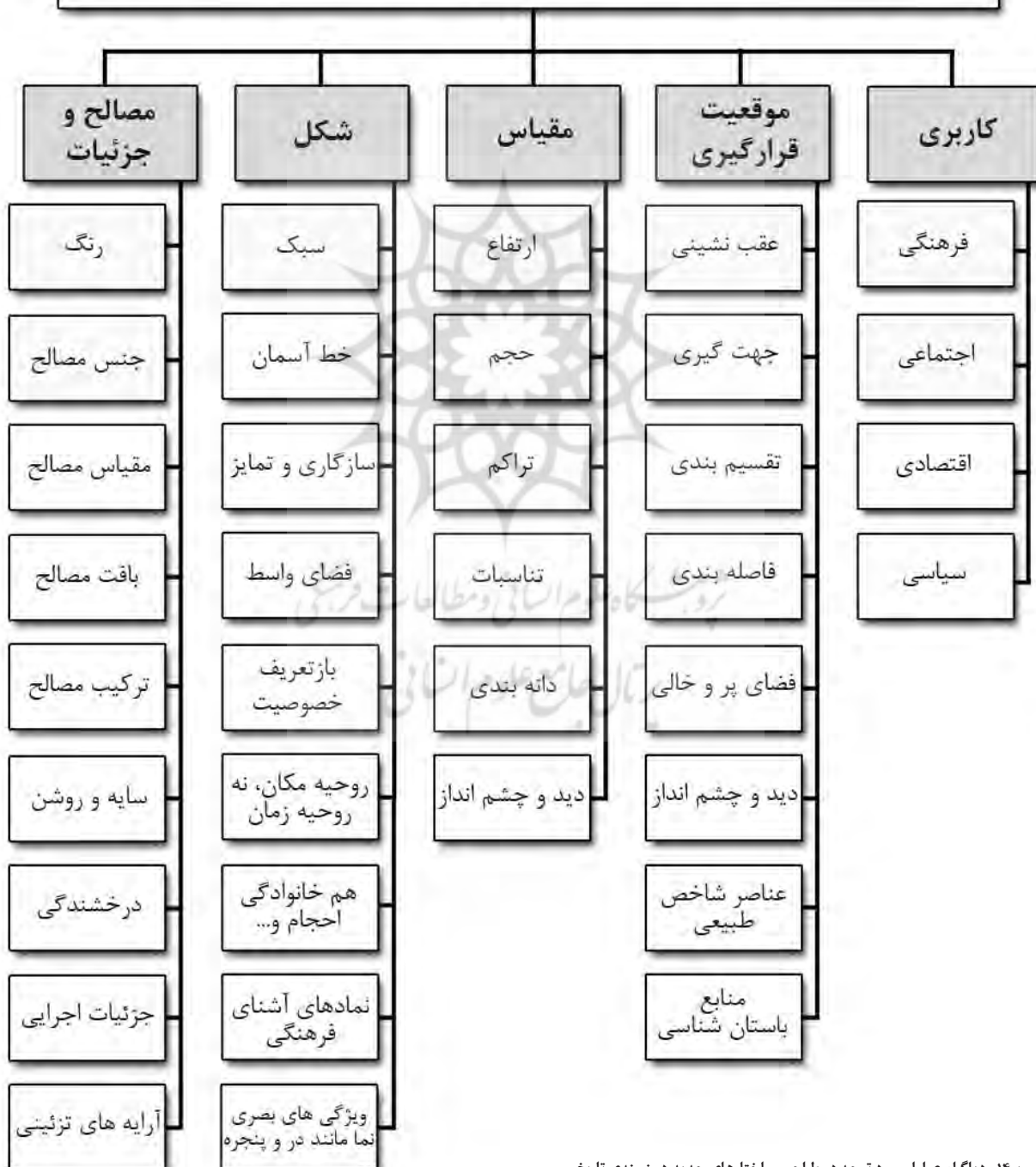
تمامیت یکپارچگی و موقعیت بنای تاریخی مجاور، از طریق درک ملاحظات فنی بنای جدیدی که در نزدیکی سازه تاریخی قرار

نتیجه

بر تقلید صرف متکی نبوده و از یک معماری معاصر جلوگیری نمی‌کند و در حقیقت معماری معاصر موفق به آن نیاز دارد. از آنجا که سازگاری ساختار جدید به طرح زمینه‌ی تاریخی آن وابسته است، تعریف مشخصی برای آنچه که سازگار خواهد بود و

هنگامی که بنا به دلایل مختلف، حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی ضرورت می‌یابد، طراحی بناهای جدید می‌بایست سازگار با زمینه‌ی تاریخی موجود در نظر گرفته شود. باید توجه داشت درک زمینه و سازگاری با بناهای مجاور، هرگز

عوامل مؤثر در خصوصیت زمینه تاریخی جهت طراحی ساختار جدید



تصویر ۱۴- دیاگرام عوامل مورد توجه در طراحی ساختارهای جدید در زمینه تاریخی.

روی شاخص‌های دیگر نیز هستند. برای مثال اهمیت خط آسمان موجود و یا لحاظ کردن فضایی واسط بین بنای جدید و قدیم، به منظور کاهش تأثیر مقیاس بنای جدید، از جمله عواملی می‌باشند که در مقیاس ساختار جدید می‌بایست مورد توجه قرار گیرند، اما از آنجا که این عوامل دارای تأثیر بیشتری بر شکل ساختار جدید می‌باشند تحت عوامل مورد توجه در این شاخص عنوان شده‌اند. به طور کلی توجه به هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به راه‌حل‌های گوناگون و گاه مشترکی شود که بر حسب شرایط هرزمینه‌ی تاریخی متفاوت خواهند بود و تنها با درک درستی از خصوصیات زمینه‌ی تاریخی قابل دست‌یابی می‌باشند.

یا ناسازگار، به طور مطلق، وجود ندارد. آنچه که در این بین مهم است، این است که با استفاده از رهنمودهای طراحی، سازگاری چگونه می‌تواند حاصل شود. در این راستا درک زمینه‌ی طراحی جهت پاسخ به کیفیت‌های خاص و یا محدودیت‌های آن در اولویت تمام امور قرار دارد.

با توجه به موارد عنوان شده، دیاگرامی شامل پنج شاخص کلی که در خصوصیت یک زمینه‌ی تاریخی مؤثر هستند و عواملی که می‌بایست در ارتباط با هر یک از این شاخص‌ها در هنگام طراحی ساختارهای جدید مورد توجه قرار گیرند، ارائه می‌گردد (تصویر ۱۴). باید در نظر داشت که برخی از این عوامل دارای تأثیر همزمان بر

پی‌نوشت‌ها

- «مرمت علمی» را بنیان نهاد (یوکیلتو، ۱۹۹۹، ۲۴۳).
- 13 Facadism .
- 14 Zero Degree .
- 15 Integration .
- 16 Contrast .
- 17 Derisive and Temporary .
- 18 Analogy .
- 19 Invisible .
- 20 Complex .
- ۲۱ ر.ک. قدیری، بهرام (۱۳۸۵)، ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۲ منظر شهری شامل هر چیز از سیر تحول تاریخی و مورفولوژی شهر تا یکپارچگی عناصر گوناگون در آن می‌باشد. علاوه بر مشخصه‌های برنامه‌ریزی و معماری شهری، منظر شهری دربرگیرنده‌ی مفهومی اجتماعی، فرهنگی و روانشناسی است (Orbasli, 2008, 197).
- 23 Value
- 24 Authenticity
- 25 Integrity
- ۲۶ در برخی موارد، کارشناسان، بهترین و آسان‌ترین شیوه را برای اجتناب از تغییرات فیزیکی در زمینه تاریخی، ایجاد بنای جدیدی با یک سبک مشابه می‌دانند. اما این رویکرد، همان‌طور که کیت ری (Keit Ray) در کتاب اش، معماری زمینه‌گرا، بیان می‌کند، لزوماً آسان‌ترین و بهترین راه نیست. پیش از اینکه این شیوه به کار رود، طراح باید سبک اولیه‌ی موجود را جهت به دست آوردن نتایج خوب، به خوبی درک کند، در غیر این صورت این امر احتمالاً تقلیدی از سبک اولیه به جای تولید مجدد خواهد بود (Ray, ۱۹۸۰).
- ۲۷ میزان تجرید فرم‌های اولیه، تأثیر بارزی بر قابلیت شناخت آنها می‌گذارد. هرچه فرم‌ها انتزاعی‌تر باشند، ارتباط آنها با منبع اولیه مشکل‌تر و شناخت آنها ناممکن می‌شود. الحاق کلگ‌هورن و ساختمان ملی پرمونت تنوع درجه‌انترع را نشان می‌دهند. اتصالات در الحاق کلگ‌هورن به طرز نومیدانه‌ای مبهم است. در حالی که ساختمان دیگر، علی‌رغم ساده کردن فرم‌های اولیه، شباهت آشکار خود را حفظ کرده است. میزان دخل و تصرف در طرح اولیه ضمن حفظ تشابه خانوادگی، امری است که به مهارت طراح بستگی دارد (برولین، ۱۹۸۰).

فهرست منابع

برولین، برنت‌سی (۱۹۸۰)، معماری زمینه‌گرا، سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم، ترجمه‌ی راضیه رضازاده، ۱۳۸۳، خاک، اصفهان.

- 1 New Constructions .
- 2 Conservation .
- 3 Extension .
- ۴ Architecture in Context - برولین، برنت‌سی (۱۹۸۰)؛ معماری زمینه‌گرا؛ سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم؛ ترجمه‌ی راضیه رضازاده، ۱۳۸۳؛ اصفهان: خاک.
- ۵ فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا (۱۹۹۸)؛ راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی؛ ترجمه‌ی پیروز حناچی، ۱۳۸۳؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- 6 Infill Building .
- ۷ گسترش‌های درشت مقیاس در مجاورت مناطق تاریخی، طرح‌های تجمیع دریافت‌های تاریخی، حضور بنایی جدید در قطعات خالی و یا به عنوان جایگزینی برای بناهای موجود دریافت‌های تاریخی (بناهای میان‌افزا)، احداث بناهایی در مجاورت و در حریم بناهای تاریخی و یا در مقیاس دید خردتر الحاق به بنای تاریخی (در جهت توسعه‌ی بنای تاریخی و به عنوان فضایی جهت رفع نیازهای کالبدی جدید در امر توان بخشی آن) همگی نمونه‌هایی از مداخلات معمارانه جهت حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی می‌باشند.
- ۸ اوژن ویوله لودوک (۱۸۱۴) -Eugen Viollet le Duc (۱۸۷۹) معمار فرانسوی که به عنوان یکی از فعال‌ترین مرمت‌کنندگان آثار تاریخی در جهان شناخته شده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ۳۵). وی با هدف یکپارچه کردن بناهای تاریخی، معتقد به تکمیل یا ساخت بنایی فرسوده و یا ناتمام باقی مانده به صورت اولیه‌ی کالبدی آن بود.
- ۹ جان راسکین (۱۸۱۸) -John Ruskin (۱۹۰۰) حقوق‌دان انگلیسی که با روی آوردن به هنر، ابتدا به نقد فلسفه‌ی هنر پرداخت و سپس روی به فلسفه‌ی اجتماعی آورد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ۳۶). وی که از سردمداران «جنبش حفاظت» است بر عدم دخالت در بنای تاریخی با هدف طی کردن فرآیند طبیعی فرسایش تأکید می‌کند و توسعه‌ی بنا را به صورت بخشی از یک فرآیند پیوسته لازم می‌داند.
- ۱۰ کامیلو بویی تو (۱۸۳۶) -Camillo Boito (۱۹۱۴) محقق و معمار ایتالیایی که تفکر جدید مرمت شهری را در قرن بیستم پایه‌گذاری کرد و از این روی را پدر مرمت شهری جدید می‌نامند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ۳۸).
- ۱۱ کامیلو سیت (۱۸۴۳) -Camillo Sitte (۱۹۰۳) معمار و شهرساز اتریشی به عنوان اولین شخصیتی که از کاربرد هنر در زیبایی شهر مدرن سخن گفته است و بررسی‌های جامعی را تدوین و منتشر نموده است (فلامکی، ۱۳۸۶).
- ۱۲ گوستاو جیووانونی (۱۸۷۳) -Gustavo Giovannoni (۱۹۴۷) از معماران و نظریه‌پردازان ایتالیایی که درآموزه‌ها و نوشته‌هایش، اصول حفاظت مدرن ایتالیا را تحکیم بخشید و ضمن تأکید بر دیدگاه علمی انتقادی، شالوده

ICOMOS (1996), *The Australia Icomos Charter for the Conservation of Places of Cultural significance (The Burra Charter)*, Burra, Icomos.

ICOMOS (1972), *Resolutions of the Symposium on the Introduction of Contemporary Architecture into Ancient Groups of Buildings*, Budapest, Icomos.

ICOMOS (1992), *A Preservation Charter for the Historic Towns and Areas of the U.S*, US, Icomos.

ICOMOS (1999), *International Cultural Tourism charter*, Mexico, Icomos.

Lemaire, Raymond and Stovel, Herb (eds) (1994), *Nara Document on Authenticity*, Nara, Japan.

NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects (2005), *Design in Context: Guidelines for Infill Development in the Historic Environment*, NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects.

Orbasli, Aylin (2008), *Architectural Conservation: Principles and Practice*, Blackwell Science.

Raleigh Historic Districts Commission (2001), *Design Guidelines for Raleigh Historic Districts*, City of Raleigh, Raleigh, North Carolina.

Ray, Keith (1980), *Contextual Architecture: Responding to Existing Style*, New York: McGraw-Hill.

St. Joseph Landmark Commission (2001), *Design Guidelines for St. Joseph*, Missouri historic districts, St. Joseph Landmark Commission.

UNESCO (1962), *Recommendation Concerning the Safeguarding of the Beauty and Character of Landscapes and Sites*, Paris, Unesco.

UNESCO (1968), *Recommendation Concerning the Preservation of Cultural Property Endangered by Public or Private Works*, Paris, Unesco.

UNESCO (1972), *Recommendation Concerning the Protection, at National Level, of the Cultural and Natural Heritage*, Paris, Unesco.

UNESCO (1976), *Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas*, Nairobi, Unesco.

UNESCO (1995), *Our Creative Diversity, Report of the World Commission on Cultural and Development*, Egoprim, France, Unesco.

UNESCO (2005), *Vienna Memorandum on World Heritage and Contemporary Architecture - Managing the Historic Urban Landscape*, World Heritage Centre, Paris, Unesco.

Warren, J - J Worthington - S Taylor (1998), *Context: New Buildings in Historic Settings*, Architectural Press, New York.

URL 1. <http://www.thepotteries.org> (visited on August 2011)

URL 2. <http://www.fosterandpartners.com> (visited on November 2011)

URL 3. <http://arcspace.com> (visited on December 2011)

URL 4. <http://www.wikipedia.org> (visited on November 2011)

URL 5. <http://www.e-architect.com> (visited on August 2011)

URL 6. <http://www.etood.com> (visited on October 2011)

URL 7. <http://http://parisparfait.typepad.com> (visited on November 2011)

حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی (۱۳۸۶)، مرمت شهری، تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.

صمدی‌رندی، یونس (۱۳۷۶)، مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۶)، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.

فیلدن، برنارد و یوکا یوکیتو (۱۹۹۸)، راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی، ترجمه‌ی پیروز حناچی، ۱۳۸۶، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.

قدیری، بهرام (۱۳۸۵)، ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

یوکیتو، یوکا (۱۹۹۹)، تاریخ حفاظت معماری، ترجمه‌ی محمد حسن طالبیان و خشایار بهادری، ۱۳۸۷، روزنه، تهران.

Aspen City Council (2000), *City of Aspen: Historic Preservation Design Guidelines*, Colorado Historical Society.

Congress on the European Architectural Heritage (1975), *The Declaration of Amesterdam*, Icomos, Amesterdam.

Council of Europe (1975), *European Charter of the Architectural Heritage (the European Charter)*, Council of Europe.

Council of Europe (1985), *Convention for the Protection of the Architectural Heritage of Europe*, Council of Europe.

English Heritage & Commission for Architecture and the Built Environment (CABE) (2001), *Building in Context: New Development in Historic Areas*, English Heritage / CABE, UK.

Feilden, Bernard and Jokilehto, Jukka (first published 1993), *Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites*, ICCROM, Rome.

Government of the District of Columbia (1988), *District of Columbia Historic Preservation Guidelines*, Government of the District of Columbia, Department of Consumer and Regulatory Affairs, Building and Land Regulation Administration, Historic Preservation Division.

Grimmer, Anne E & Weeks, Kay D (1986), *New Exterior Additions to Historic Buildings: Preservation Concerns (Preservation Briefs # 14)*, Washington, DC: U.S. Department of the Interior / National Park Service Cultural Resources: Heritage Preservation Services.

Guzmán Torres, Zasha N (2009), *Historic Buildings and Contemporary Additions: the Elements of a Cohesive Design Relationship*, Directed By: Dr. Donald W. Linebaugh, School of Architecture Planning and Preservation, University of Maryland, College Park.

ICOMOS (1964), *International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter)*, Venice, Icomos.

ICOMOS (1987), *The International Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas (Washington Charter)*, Washington, Icomos.